

نقطه داغ رویکرد تقابلی بایدن با مسکو در اوکراین

امریکا به دنبال ادغام کامل اوکراین در بلوک غرب است



اوکراین پرداخته است. امریکا از اوکراین به منزله ابزاری برای تشدید فشارها علیه مسکو استفاده می‌کند. دولت ایوباما، دولت ترامپ و اکنون دولت بایدن تأکید زیادی بر تقویت نظامی اوکراین، تضعیف روسیه گام جدیدی برداشته است. جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا اخیراً تأکید کرد که واشنگتن هرگز «تهاجم روسیه علیه اوکراین» و الحاق شبه‌جزیره کریمه به این کشور را نخواهد پذیرفت. بایدن مدعی شده‌است که امریکا در کنار اوکراین و مقابل روسیه خواهد ایستاد.

د

هدف کلی اقدامات اخیر امریکا و حتی وعده کمک نظامی به کی‌یف در صورت حمله روسیه، کاهش هر چه بیشتر روابط و پیوندهای بین مسکو و کی‌یف هشارد به‌کی‌یف‌درباره انجام دادن هرگونه اقدامات علیه‌بایدن به‌طور گسترده‌ی روابط اوکراین را در دشمنی با روسیه گسترش می‌دهد. کمک واشنگتن به اوکراین و تشویق کی‌یف برای اتخاذوضع سخت در مذاکرات چندجانبه‌نرماندی و مذاکرات روسیه باعث بدتر شدن روابط اوکراین خواهد شد. بدین ترتیب اکنون امریکا با اتخاذ رویکرد حمایت همه‌جانبه سیاسی و نظامی از اوکراین درصدد است تا این کشور مهم شرق اروپا را به‌طور کامل تحت نفوذ خود درآورد تا مذکور، دربرگیرنده آتش بس از ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۰، غرب را فراهم سازد

خارج کردن تسلیحات از مناطق درگیری، تبادل زندانیان و انجام اصلاحات قانون اساسی است.

■ **خطر جنگ**

افزایش تنش‌ها در شرق اوکراین با توجه به درگیری‌های اخیر بین جدایی‌طلبان و نظامیان است. این مسئله حساسیت واشنگتن و مسکو را برانگیخته‌است. دولت بایدن که آشکارا رویکرد ضدروسی دارد از زمان روی کار آمدن موضع‌گیری‌ها و اقدامات خود علیه مسکو را تشدید کرده‌است. اکنون واشنگتن قصد دارد از حوادث اخیر در شرق اوکراین به منابه‌بهنای برای تشویق اوکراین به موضع‌گیری تندتر در قبال روسیه استفاده کند و در عین حال زمینه مداخله و حضور هر چه بیشتر در اوکراین را با مستمسک فرار دادن وجود تهدیدات جدی از جانب روسیه فراهم آورد. در چندماه اخیر نقض مکرر آتش‌بس با مین‌گذاری در نواحی مختلف شرق اوکراین و نیز درگیری اخیر بین جدایی‌طلبان و ارتش اوکراین بار دیگر اوضاع منطقه دونباس را به شدت متلاطم کرده و احتمال رخداد دوباره درگیری‌های گسترده بین طرفین را افزایش داده‌است. در این صورت وجود تهدیدات احتمالی نیروهای روسیه برای حمایت از جدایی‌طلبان و حمایت امریکا از ارتش اوکراین می‌تواند بحران شرق اوکراین را به سرعت تبدیل به بحرانی بین‌المللی نماید. امریکا به عنوان کنشگر فعال در بحران اوکراین وارد شده‌است. در این راستا وزارت دفاع اوکراین در ۱۳ فروردین در بیانیه‌ای اعلام کرد که لوید استین وزیر دفاع امریکا به اوکراین تضمین دفاع در برابر روسیه در صورت آغاز مناقشه مسلحانه داده‌است. وی گفته‌است که در صورت آغاز تجاوز روسیه به اوکراین، امریکاین کشور را تنها نخواهد گذاشت.

هدف کلی اقدامات اخیر امریکا و حتی وعده کمک نظامی است به نابودی اوکراین ختم شود. مقامات اوکراین مدعی هستند که اقدامات نظامی روسیه با هدف حمایت از جدایی‌طلبان شرق اوکراین و هشارد به‌کی‌یف‌درباره انجام دادن هرگونه اقدامات علیه‌بایدن به‌طور گسترده‌ی روابط اوکراین را در دشمنی با روسیه گسترش می‌دهد. کمک واشنگتن به اوکراین و تشویق کی‌یف برای اتخاذوضع سخت در مذاکرات چندجانبه‌نرماندی و مذاکرات روسیه باعث بدتر شدن روابط اوکراین خواهد شد. بدین ترتیب اکنون امریکا با اتخاذ رویکرد حمایت همه‌جانبه سیاسی و نظامی از اوکراین درصدد است تا این کشور مهم شرق اروپا را به‌طور کامل تحت نفوذ خود درآورد تا موجب تضعیف هر چه بیشتر روسیه شود.»

د

حملات موشکی و پهپادی دولت نجات ملی به عمق خاک عربستان نشان داده‌که اهداف استراتژیک این کشور نظیر پایلایشگاه‌ها، بنادر و پایگاه‌های نظامی دیگر امنیت سال‌های گذشته را ندارند و عربستان نمی‌تواند بدون توجه به‌هزینه‌های ایمن حملات به تجاوز نظامی خود در یمن ادامه دهد

د

می‌دانی راه‌طور کامل به نفع خود تغییر دهند. باید توجه داشت که استان مارب به لحاظ جغرافیایی و گوناگه تردد کلازا از شمال به جنوب و شرق به غرب یمن است. گذشته از اینکه برخورداری از صنایع قابل توجه نفت و گاز و رونق کشاورزی و سد مارب و شبکه آبیاری، آن را مبدل به قطب اقتصادی یمن کرده‌است. علاوه بر این، پیشروی دولت نجات یمن در صعا در استان مارب به معنای تسلط آن بر بیش از ۹۰ درصد از سرزمین و جمعیت یمن شمالی است. از سوی دیگر، حملات موشکی و پهپادی دولت نجات ملی به عمق خاک عربستان نشان داده که اهداف استراتژیک این کشور نظیر پایلایشگاه‌ها، بنادر و پایگاه‌های نظامی دیگر امنیت سال‌های گذشته را ندارند و عربستان نمی‌تواند بدون توجه به هزینه‌های این حملات به تجاوز نظامی خود در یمن ادامه دهد. در واقع، نامتی سعودی‌ها به حدی رسیده که حتی دولت کوچک بحرین هم ناچار شده با صدور بیانیه‌ای به آن تسلی خاطر بدهد. دولت نجات ملی با توجه به این واقعیت‌هاست که پیش‌شرط رفع محاصره، توقف عملیات انتلاف و بازگشایی بندر حدیده و فرودگاه صنعا را به عنوان پیش‌شرط رفع آتش‌بسی روی میز گذاشته‌است زیرا خود را در ابتدای هفتمین سال جنگ در موقعیتی برتر از گذشته می‌داند و طرف‌های مقابل آن نیز می‌دانند که این یمن دیگر همان یمن شش سال قبل نیست.

■ **دکتر سیدرضا میرطاهر**
یک هفته پس از کشته شدن چهار نظامی اوکراینی در شروق این کشور به دست جدایی‌طلبان، امریکا وعده داد از اوکراین در برابر روسیه حمایت کند. «آنتونی بلینکن»، وزیر امور خارجه امریکا روز ۱۴فروردین در تماسی تلفنی با «دمیترو کولبا» همتای اوکراینی خود، کشته شدن نظامیان این کشور را تسلیت گفت و حمایت واشنگتن را از آنچه «تمامت ارضی اوکراین» می‌خواند، اعلام کرد. موضع واشنگتن پس از آن اعلام شد که «روسلان خومچاک»، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین، ادعا کرد که روسیه تهدیدی برای امنیت این کشور بوده و در تلاش برای استقرار نیروهای مسلح در نزدیکی مرزهای اوکراین است. وی با متهم کردن مسکو به اتخاذ «رویکرد تهاجمی» در قبال کی‌یف از آغاز اقدامات مسکو برای استقرار نیروهای نظامی خود در مرز دو کشور خبر داد. خومچاک تصریح کرد که همزمان با آغاز تحرکات نظامی روسیه، جدایی‌طلبان طرفدار مسکو نیز به‌طور مکرر آتش‌بس مورد توافق در ژوئیه ۲۰۲۰ را در مرزهای شرقی اوکراین نقض می‌کنند. مطابق اعلام رسمی ارتش اوکراین تنها طی سه ماه نخست سال جاری میلادی، ۲۶ تن از نیروهای نظامی این کشور در درگیری‌های شرق کشور کشته شده‌اند. به گفته وی، روسیه طی هفته‌های اخیر حدود ۲۵ گروهبان از نیروهای ارتش خود را در نزدیکی مرزهای اوکراین مستقر کرده و شمار نیروهای مستقر خود در کریمه را به ۳۲ هزار و ۷۰۰ تن رسانده است. به گفته خومچاک، افسران ارتش روسیه همچنین ۲۸ هزار نیروی جدایی‌طلب مستقر در شرق اوکراین را فرماندهی می‌کنند.

این ادعا با واکنش شدید روسیه مواجه شده‌است. «دمیترو پسکوف»، سخنگوی کرملین روز ۱۳ فروردین گفت که روسیه در حال انجام اقداماتی با توجه به افزایش فعالیت‌های ناتو برای تضمین امنیت مرزهای است. وی تأکید کرد که روسیه نیروهایش را در قلمرو خود حرکت نمی‌دهد و تهدیدی علیه کشور دیگری به‌شمار نمی‌رود.

■ **دولت بایدن و بحران اوکراین**
بحران اوکراین که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده به مثابه نقطه عطفی در روابط روسیه و امریکا محسوب می‌شود. واشنگتن به بهانه حمایت از دولت غربگرای اوکراین طی شش سال اخیر به اعمال گسترش تحریم‌ها علیه روسیه به بهانه الحاق کریمه به خاک خود و نیز مداخله و تشدید بحران اوکراین با حمایت از مخالفان جدایی‌طلب شرق

رویکرد

■ **سید نعمت‌الله عبدالحمیدزاده**

خبرهایی در روزهای اخیر منتشر شده در این مورد که تلاش‌هایی برای برقراری آتش‌بس در یمن طی یک ماه آینده انجام می‌شود. روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی به نقل از یک منبع یمنی گفته‌است که ارتزنی‌های برای برقرار شدن این آتش‌بس در حال اجراست تا اینکه با انجام آن طی یک ماه آینده، مذاکرات سیاسی فراگیر برای پایان جنگ از سر گرفته شود اما دولت نجات ملی مستقر در صنعا پیش‌شرط‌هایی مطرح کرده که از جملهٔ مورد جدا کردن پرورنده انسانی از پرورنده نظامی است تا اینکه بازگشایی بندر الحدیده و فرودگاه صنعا، لغو محاصره و توقف عملیات انتلاف عربی قبل از آتش‌بس انجام شود. به نظر می‌رسد که دولت عمان به عنوان میانجی اصلی مذاکرات نیز نسبت به برقراری آتش‌بس خوشبین است، چراکه خبرگزاری رسمی این کشور با صدور بیانیه‌ای در این مورد ابراز امیدواری کرده و دولت عمان در بیانیه خود خبر از نتیجه رسیدن مذاکرات در آینده‌ی نزدیک داده‌ است. ابراز خوشبینی دولت عمان حکایت از دست بر تر دولت صنعا و پذیرش پیش‌شرط‌هایش دارد؛ چراکه سعودی‌ها و دولت مورد حمایتشان قبول کرده‌اند این یمن همان یمنی نیست که شش سال قبل به آن حمله کردند.

■ **تغییر موازنه**

اولین و مهم‌ترین نکته‌ای که در خصوص مذاکرات فعلی و احتمال برقراری آتش‌بس باید در نظر داشت، این است که نه این مذاکرات نخستین مذاکرات و نه آتش‌بس احتمالی نخستین آتش‌بس است که در زمان شروع تجاوز نظامی انتلاف عربی به رهبری سعودی‌ها به یمن انجام شده‌است. سابقه مذاکره و آتش‌بس به حدود هفت ماه بعد از شروع تجاوز نظامی سعودی‌ها به یمن بازمی‌گردد که مذاکراتی در اواخر دسامبر ۲۰۱۵ به میانجی‌گری نماینده وقت سازمان ملل در امور یمن اسماعیل ولد‌الشیخ و در ژنو سوئیس انجام شد اما نه آن مذاکرات و نه مذاکرات بعدی منجر به آتش‌بس پایدار در یمن شد تا مجالی برای از سرگیری جدی فرایند سیاسی فراهم شود. در واقع، سعودی‌ها در آن موقع و همچنین در مراحل بعد چنان به موفقیت نظامی خود در یمن اعتماد داشتند که فقط برای حفظ ظاهر به نمایندگان دولت

پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۸۸۹۸۴۴۴

پرونده

پیشرفت «قیچی ژنتیکی»

چطور جهان را دگرگون خواهد کرد؟

ته‌مانده بشر بودن

■ **مایکل هیرش، فارین پالیسی، دوم آوریل ۲۰۲۱**

والتر ایساکسون، یک بیوگراف‌نویس برجسته که آثاری درباره آلبرت اینشتین، استیو جابز، هنری کسینجر و لئوناردو داوینچی دارد، در کتاب تازه‌اش با عنوان «گدسکن Code Breaker: جنیفر داودنا Jennifer Doudna و ویرایش ژنتیک و آینده نژاد بشر» تلاش می‌کند سیر تلاش علمی خانم جنیفر داودنا، دانشمند برجسته دانشگاه کالیفرنیا در برکلی را بازگو کند. جنیفر داودنا جایزه نوبل شیمی ۲۰۲۰ را به همراه همکار فرانسوی‌اش خانم امانوئل چارپنتیئر (Emmanuelle Charpentier)، به خاطر کشف کارکرد درونی ویرایش ژنی، دریافت کرد. آنها نه تنها کار ویرایش ژنتیک انسان را تقریباً آسان کردند بلکه آن را به یک فناوری امیدبخش و البته هراس‌آور تبدیل ساختند. طی این سال‌ها، گروه‌هایی از دانشمندان بین‌المللی به شدت سرگرم رقابت – و اغلب همکاری با یکدیگر – برای کشف رازهای پشت پرده یک فرایند ژنتیک رازآلود – که البته به‌طور طبیعی رخ می‌دهد – بوده‌اند. این فرایند با نام اختصاری علمی CRISPR شناخته می‌شود. Clusered Regularly Interspaced Short Palindromic Repeats

پس از انتشار مقاله تاریخی داودنا و چارپنتیئر در سال ۲۰۱۲ در مجله ساینس، اکنون پژوهشگران می‌توانند با سه کارگیری تکنیکی به نام قیچی ژنتیک (CRISPR/Cas9)، ویرایش دی‌ان‌ای حیوانات، گیاهان و میکروارگانیسم‌ها را با دقتی بالا انجام دهند و حتی اگر بخواهند، می‌توانند این ارگانیسم‌های اصلاح شده را در نسل‌های بعدی‌شان تداوم بخشند. به بیان دیگر، دانشمندان می‌توانند به آسانی انواع کنونی موجودات زنده را اصلاح کنند یا حتی انواع تازه‌ای از موجودات زنده را ایجاد کنند؛ از جمله گونه‌های تازه نوع بشر. این دیگر یک افسانه نیست، توانایی امروز دانش بشری است. طی همین چندسال گذشته، شرکت‌های نوپای فراوانی توسط همین دانشمندان از جمله خانم داودنا، پای به این عرصه گذاشته‌اند تا این فناوری ویرایش و اصلاح ژنی را به کار گیرند. ویژگی کار داودنا و چارپنتیئر این است که آنها فرایند اصلاح ژنی را به اجزای مکانیکی آن تقسیم کردند. اکنون که قیچی ژنتیک(CRISPR/Cas9) به یک ابزار کاربردی کامل تبدیل شده‌است، ما می‌توانیم همان کاری را انجام دهیم که باکتری‌ها به‌صورت طبیعی انجام می‌دادند و ویرایش ژنی را تقریباً بر روی هر موجود زنده‌ای، از جمله خودمان، پیاده کنیم.

■ **این روی سکه**

می‌توانیم این کار را برای اهداف خوب – همچون درمان بیماری‌های مرگباری چون آلزایمر و هانتینگتین، برای تولید محصولاتی که در برابر کپک، آفات و خشکسالی مقاومند و حتی تولید غذاهای تازه‌ای از میوه‌هایی که مالاریا را به خود ندارند، به کار گیریم. همانطور که کمیته نوبل یادآور شده‌است: «در دانش پزشکی، از آزمایش کلبیجی روش‌های درمان بسرطان در دست انجام است و رؤیای درمان بیماری‌های ارثی به تحقق خود نزدیک می‌شود.»

با این حال، ایساکسون در کتاب تازه‌اش، پرسش‌های گزیننده‌ای هم درباره اخلاقیات ویرایش ژنی دارد: آیا ممکن است تلاش برای درمان دگرش‌های خلقی، خیال‌پردازی، توهم، هراس، جنون و افسردگی عمیق، در برخی افراد به تحریک خلاقیت بینجامد؛ برعکس، آیا شما حاضرید کودک مبتلا به شیذوفرنی خود را به دست درمان بسپارید اگر بنابیند بی‌اوه، چنانچه باین بیماری ایسازد و درمان نشود، به یک ونسنست وانگوغ تازه تبدیل می‌شود که جهان هنر را دگرگون می‌کند؟ پاسخ برخی دانشمندان، روشن است: آری (باید این بیماری را نه تنها درمان کنیم بلکه همه نسل‌های آینده بشر را نیز از شر آن رها سازیم. بسیاری درست است که چنین افرادی با بالاترین ارزش‌های اخلاقی پرسش‌مه بگیرد؛ همان عشق و عظوفتی که خانم داودنا را واداشت تا آرام آرام به ویرایش جرم‌لاین تن دهد. وی تأکید می‌کند که چنین روش‌هایی، تنها باید برای درمان بیماری‌های موروثی به کار گرفته شوند اما واقعا چه کسی می‌خواهد در همین حد متوقف شود؟ اگر می‌تواند، فرولانی از ژن‌های بیماری آلزایمر را بایباید تا از ژن‌های فیزیکی جلوگیری شود، چرا در بی تقویت حافظه ناشید؛ اگر عوامل نقص‌های فیزیکی را کشف می‌کنید، چرا آن را ویرایش نکنید تا سه توانمندی‌های فیزیکی زیرموندتری دست یابید. تلاش‌های مشابه برای اصلاح همیشگی ناسامانه‌ای‌های ژنتیکی که به بیماری‌هایی چون سرطان پستان و فیبروز سیستیک می‌انجامند، می‌تواند به کشف‌های مهمی در زمینه وارونه کردن فرایند سالخوردگی منجر شود.

در واقع قیچی ژنتیکی CRISPR در زمانه‌ای ظهور می‌یابد که شاهد انبوهی از جریان‌های علمی هستیم که برای همیشه، سرنوشت بشر را دگرش می‌دهند. در همان حال که فناوری قلم می‌شود افراد بشر بهتری خلق کنند، همان بازارهایی که این فناوری را به وجود آوردند، قضااضای خودشان را هم با خود می‌آورند و در دست‌نخبگانی قرار می‌دهند که به عنوان «یک درصدی‌ها» شناخته شده‌اند و بیشترین ثروت جهان را در اختیار دارند. آنها وقتی از همه لذت‌های‌شان برای برخورداری از خودروهای آنجانی، جت‌ها و قایق‌های خصوصی و جراحی‌های زیبایی سرشار شدند، آیا تنها تمنای که برایشان می‌ماند، ساخت یک برند بهتر از بشریت نیست؟، دست آخر، چه بسا خیلی هم با مسئولیت پدر و مادرها سازگار باشد که اگر پولش را دارند، یک تقویت‌کننده مغزی دست‌برای کودک خود خریداری کنند و یک درصدی‌های ثروتمند توانایی هر خریدی را دارند.

واقعا این فرایند، دقیقاً چگونیهایی از افراد بشر را خلق می‌کند؛ به هر حال، این احتمال هست که دانشمندان زودتر ژن‌هایی را کشف کنند که عامل هوش بشری هستند تا ژن‌هایی که عامل ارزش‌های اخلاقی او هستند. پاسخ همه این پرسش‌ها را شاید روزی که با نسل آینده روشن شود.

ترجمه و خلاصه شده: معاونت مطبوعاتی